

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 10, Winter 2021-2022, 173-198  
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.29020.1687

## **An Evaluation and Criticism of the Revised BA Program in English Translator Training**

**Hossein Davari<sup>\*</sup>, Saeed Nourzadeh<sup>\*\*</sup>**

**Ailin Firoozian Pouresfahani<sup>\*\*\*</sup>, Ghodrat Hassani<sup>\*\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

After around three decades of implementing the BA program in English translator training approved in 1990 which was accompanied by many serious criticisms, finally, in 2017, its revised version was approved and implemented. This revised program first aims at enhancing the students' language skills and their translation competence and then making the major more specialized. Due to the importance of this considerable revision, in this paper, the researchers attempted to study and evaluate the program through the attitudes of ten faculty members from seven universities offering this major. The findings revealed that in their opinion, while the program has been considerably improved regarding some factors such as integrating up-to-date courses, paying attention to applied and local needs, attending to the Persian language, paying attention to new technologies and introducing various new references, it suffers from some weaknesses with regard to some courses, their syllabi, the proposed sources, and the prerequisites. In their opinion, with such

\* Associate Professor, Damghan University, Damghan, Iran (Corresponding Author),  
h.davari@du.ac.ir

\*\* Assistance Professor, Damghan University, Damghan, Iran, saeednourzadeh@yahoo.com

\*\*\* Assistance Professor, Damghan University, Damghan, Iran, ailin\_firoozian@yahoo.com

\*\*\*\* Assistant Professor, Damghan University, Damghan, Iran, qhassani@gmail.com

Date received: 29/08/2021, Date of acceptance: 30/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۷۴ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۱۰، دی ۱۴۰۰

weaknesses, the program will face challenges both in the process of its implementation and in achieving its aims.

**Keywords:** Evaluation, Curriculum, English translation, Syllabus.



## ارزیابی و نقد برنامه درسی بازنگری شده رشته مترجمی زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی

حسین داوری\*

سعید نورزاده\*\*، آیلین فیروزیان پوراصفهانی\*\*\*، قدرت حسنی\*\*\*\*

### چکیده

بعد از گذشت نزدیک به سه دهه از اجرای برنامه دوره کارشناسی مترجمی مصوب سال ۱۳۶۹ و طرح انتقادهایی جدی نسبت به ناکارآمدی و کاستی‌های پرشمار آن، بالاخره در سال ۱۳۹۶ شاهد تصویب و سپس اجرایی شدن برنامه بازنگری شده این رشته پرتعداد دانشگاهی بوده‌ایم؛ برنامه‌ای که هدف آن تقویت مهارت‌های زبانی، تقویت توانش ترجمه و تخصصی‌تر کردن این رشته بوده است. با توجه به اهمیت این بازنگری قابل توجه، در این پژوهش تلاش شده تا به نحوی کیفی با استفاده از دیدگاه‌های ده تن از اعضای هیئت علمی شاغل در هفت دانشگاه مجری این رشته در مقطع کارشناسی، به ارزیابی و نقد این برنامه جدید پرداخته شود. یافته‌ها بیانگر آن است که در کنار بیان نقاط قوت این برنامه در بخش‌های مختلف تهیه و تدوین یک برنامه درسی همچون عناوین درسی روزآمد، توجه به نیازهای کاربردی و بومی، توجه به زبان فارسی، توجه به فناوری‌های جدید و نیز بهره‌گیری از منابع جدید و متنوع، شاهد طرح کاستی‌هایی در خصوص برخی عناوین درسی و سرفصل دروس، شماری از منابع پیشنهادی و نحوه انتخاب

\* دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان (نویسنده مسئول)، h.davari@du.ac.ir

\*\* استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان، saeednourzadeh@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان، ailin\_firooziyani@yahoo.com

\*\*\*\* استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان، qhassani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

پیش‌نیازها بوده‌ایم؛ کاستی‌هایی که به باور آنها می‌تواند چه در حین اجرای برنامه و چه از جهت دستیابی به اهداف، به چالش‌ها و ناکامی‌هایی در اجرای برنامه جدید بینجامد.

**کلیدواژه‌ها:** ارزیابی، برنامه درسی، مترجمی زبان انگلیسی، سرفصل.

## ۱. مقدمه

از سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ شاهد اجرایی شدن برنامه درسی بازنگری شده دوره کارشناسی رشته مترجمی زبان انگلیسی در نظام دانشگاهی بوده‌ایم؛ برنامه‌ای که جایگزین برنامه پیشین یعنی برنامه مصوب سال ۱۳۶۹ شده است. تردیدی وجود ندارد که گذشت بیش از سه دهه از اجرای یک برنامه، ضرورت روزآمدسازی و اصلاح آن و البته تدوین برنامه‌ای متناسب با تحولات و نیازهای روز را بیش از پیش پررنگ می‌سازد که بی‌شک ضرورت چنین تغییری درخصوص برنامه رشته مترجمی زبان انگلیسی که پیوندی عمیق با تحولات زبانی و غیرزبانی دارد، دوچندان بوده است.

اساساً بر پایه چنین نگاهی بوده که برنامه جدید از چند جنبه مهم، متفاوت از برنامه پیشین، تدوین و اجرا شده است. نظر به اهمیت این تحول و ضرورت ارزیابی برنامه‌های درسی با هدف معرفی نقاط قوت و کاستی‌های آن، در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از دیدگاه‌های ده تن از اساتید این رشته که سابقه تدریس در برنامه پیشین و برنامه بازنگری شده حاضر را دارند، به ارزیابی و نقد کیفی آن پرداخته شود.

## ۲. بیان مسئله و اهمیت پژوهش

به استناد مقدمه برنامه درسی بازنگری شده رشته مترجمی شورای تحول و ارتقای علوم انسانی در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۹، پس از گذشت حدود سه دهه از تصویب و اجرای برنامه مصوب سال ۱۳۶۹، برنامه پیشین با چالش‌هایی چون وجود دروس قدیمی، حاکمیت نگاه قدیمی به آموزش ترجمه، فاصله گرفتن از نیازهای روز، عدم تربیت مترجمان کارآمد در بازار، عدم امکان همراهی برنامه با فناوری‌های نوین و ... همراه شد.

بنابراین از یک سو در راستای اهداف شورای تحول علوم انسانی یعنی به‌روز رسانی، کارآمدسازی، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی و نیز با تاکید بر تقویت ارتباط میان دانشگاه و بازار کار و از سویی دیگر، به منظور نیل به اهداف سه‌گانه (۱) تقویت مهارت‌های زبانی

(انگلیسی و فارسی)؛ ۲) تقویت توانش ترجمه (آشنایی با اصول و فنون ترجمه؛ کسب مهارت در ترجمه از انگلیسی به فارسی و بالعکس در حوزه‌های نوشتاری، گفتاری- شنیداری و رسانه‌ای؛ استفاده از ابزار و فناوری روز برای انجام ترجمه در بازار) و ۳) تخصصی‌تر کردن رشته مترجمی زبان انگلیسی، شاهد تدوین و تصویب این برنامه درسی جدید بوده‌ایم. به استناد مقدمه برنامه حاضر، این برنامه مدعی است که از این جنبه‌های مهم با برنامه پیشین متفاوت است:

الف) تاکید برنامه پیشین بر ترجمه ادبیات بوده که در برنامه جدید با ترجمه انواع متون نوشتاری، گفتاری-شنیداری و چندرسانه‌ای که مورد نیاز بازار کار امروز می‌باشد، جایگزین شده است.

ب) برخلاف برنامه پیشین، در برنامه جدید، محتوای دروس هماهنگ با نیاز بومی و درعین حال بر اساس رویکردهای نوین به آموزش ترجمه تنظیم شده است. به عنوان مثال، در برنامه حاضر شاهد تلفیق شیوه‌های نوین آموزش ترجمه و مدیریت کلاس با شیوه‌های سنتی هستیم که در برنامه قبل در حد شیوه‌های سنتی باقی مانده بود.

برپایه چنین ضرورتی بوده است که شاهد تدوین برنامه جدید بازنگری شده بوده‌ایم؛ برنامه‌ای که دربرگیرنده ۵۷ عنوان درس دوواحدی (شامل ۲۲ واحد پایه، ۸۲ واحد تخصصی و ۱۰ واحد اختیاری) بوده و بر آن است تا دانش‌آموختگان این دوره را قادر نماید تا جامعه ایرانی را از آخرین دستاوردهای علمی، فنی، سیاسی و ادبی جهان از طریق ترجمه مطلع سازند؛ ادب و فرهنگ و هنر ایرانی و معارف اسلامی را به جوامع بین‌المللی معرفی کنند و با استفاده از فناوری‌های روز در حوزه ترجمه، در بخش‌های مختلف بازار مشغول به کار شوند.

در اهمیت انجام پژوهش‌هایی از این دست بیان این موارد می‌تواند راهگشا باشد:

الف) از آنجا که هرگونه تغییر در برنامه درسی چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، فرآیندی پیچیده، چندسطحی، وابسته به محیط و مشارکتی است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴)، ارزیابی آن نیز نیازمند توجه به سطوح آن، محیط اجرا و نحوه مشارکت عوامل و ذینفع‌ها می‌باشد. از این رو، پژوهشی از این دست می‌تواند از سطحی خاص به بررسی نحوه تغییر این برنامه مبتنی بر مولفه‌های تشکیل‌دهنده آن کمک نماید.

ب) با توجه به تغییر و تحولات برنامه‌های درسی رشته ترجمه در جوامع مختلف که ضرورت و رویکردهای آن در شماری از آثار و از آن جمله گبر (Gabr, 2001)، روسی و همکاران (Rossi et al. 2004)، بوگوکی (Bogucki, 2010) و سایور و همکاران (Sawyer et al. 2019) آمده است، بررسی منطق تغییر و کارآمدی تحول در برنامه درسی مترجمی در ایران و بررسی میزان همسویی آن با رویکردها و پیشنهادهای مطرح، بی‌تردید از منظر ارزیابی‌های مختلف حاصل می‌آید.

ج) اساساً فرآیند ارزیابی برنامه‌های درسی، فرصتی را برای گروه‌های ذینفع مربوطه جهت کسب دانش و بینش لازم پیرامون سطح کیفی برنامه‌ها و نقاط ضعف آنها فراهم می‌سازد (کتابی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین پژوهشی از این دست می‌تواند در شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه جدید از منظر مدرسان این برنامه به عنوان یکی از گروه‌های ذینفع مهم، سودمند باشد.

د) از آنجا که همواره انتقادهایی جدی نسبت به ضعف‌های برنامه پیشین در شماری از پژوهش‌ها مطرح بوده است (ر.ک. ضیاءحسینی، ۱۳۸۲؛ خوش‌سلیقه، ۱۳۹۳؛ سالاری و خزاعی‌فرید، ۱۳۹۴)، این ارزیابی می‌تواند همانا میزان توجه برنامه‌ریزان را به پیشنهادهای ارائه‌شده و نحوه و میزان اعمال آنها را از سوی برنامه‌ریزان، آشکار سازد.

حال با توجه به این تغییرات بارز در برنامه درسی این رشته مهم دانشگاهی که همواره با اقبال جامعه همراه بوده است، ارزیابی این برنامه از ابعاد مختلف و از آن جمله بر پایه دیدگاه مدرسان این رشته می‌تواند در این مرحله به ارائه تصویری اولیه از نقاط قوت و ضعف آن کمک نماید و حتی در بخش‌هایی به اصلاح مواردی برخوردار کمک شایانی نماید.

### ۳. پیشینه پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد، اجرای برنامه پیشین تربیت مترجم زبان انگلیسی در دوره کارشناسی با انتشار شماری از آثار انتقادی همراه بوده است که البته با راه‌اندازی مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری این رشته، شاهد انتشار برخی آثار در نقد و ارزیابی این برنامه‌ها بوده‌ایم. به‌طور کلی با لحاظ نمودن ترتیب زمانی، مهمترین آثار مربوطه را می‌توان در این موارد معرفی نمود:

رزمجو (۲۰۰۱) با استفاده از دو نوع مصاحبه، به بررسی دیدگاه‌های شماری از متخصصان رشته‌های ترجمه، زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی درباره برنامه این رشته در مقطع کارشناسی پرداخته است. وی در این مقاله، ضمن معرفی ابعاد این برنامه، انتقادهایی را در خصوص محتوای دوره و ضعف مهارت‌های دانشجویان مطرح نموده و سپس پیشنهادهایی در راستای تقویت این دو بعد ارائه کرده است. میرعمادی (۱۳۸۲) مبتنی بر این منطقی که دانشجویان پیش از آنکه فن ترجمه بیاموزند، اساساً زبان می‌آموزند، پیشنهادی برای دوره کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی ارائه نموده که در این برنامه پیشنهادی، فنون ترجمه و توجه به زبان مادری در اولویت است. ضیاءحسینی (۱۳۸۲) با تأکید بر ضرورت بازنگری برنامه درسی این رشته، علاوه بر طرح ایرادهایی در نحوه گزینش دانشجویان برای شرکت در این دوره، نقدی جدی به محتوای درسی وارد نموده و از این رو، پیشنهادهایی در جهت ارائه همزمان آموزش‌های تکمیلی زبان و اصول و فنون ترجمه داده است. رحمانی (۲۰۰۹)، نقل از کتابی و همکاران، (۱۳۹۸) ضمن آسیب‌شناسی برنامه، با استفاده از پرسشنامه، به بررسی نیازها و انتظارات دانشجویان این رشته در دانشگاه‌های مختلف کشور پرداخته است. از جمله پیشنهادهای وی می‌توان به ضرورت توجه بیشتر به دروس کاربردی و نیز ارتباطی دروس دوره با نیازها و انتظارات واقعی دانشجویان اشاره کرد.

کریم‌نیا (۲۰۱۲) با نگاهی به کاستی‌های برنامه تربیت مترجم در ایران، به ارائه الگویی سه‌وجهی در راستای آموزش دانشجویان این رشته مبادرت ورزیده است. این الگو که مبتنی بر سه مفهوم عمل، فن و نظریه است، دربرگیرنده سه مرحله است که هدف آن تربیت مترجم در مقطع کارشناسی در ایران است. خوش‌سلیقه (۱۳۹۳) ضمن بررسی دیدگاه‌های اساتید ترجمه در ایران، بر ضرورت اعمال تغییرات اساسی از جمله اضافه‌نمودن دروس آموزش برنامه‌های نرم‌افزاری کمک مترجم، افزایش کمیت و کیفیت دروس عملی ترجمه و مرتبط با بازار کار، اصلاح درس‌های مرتبط با زبان‌شناسی کاربردی و ... اشاره نموده است. سهرابی و همکاران (۲۰۱۵) نیز با استفاده از پرسش‌نامه، به بررسی کارایی دروس تربیت مترجم پرداخته‌اند که عمده پیشنهادهای اصلاحی آنها مبتنی بر حذف برخی دروس و اضافه‌نمودن دروس دیگر با هدف تناسب بیشتر برنامه با نیازهای دانشجویان بوده است.

سالاری و خزاعی فرید (۱۳۹۴) نیز با استفاده از نظرات گروه‌های ذی‌نفع هم‌چون دانشجویان، اساتید و فعالان بازار ترجمه، به ارائه برنامه‌ای پیشنهادی با محوریت توجه بیش‌تر به مهارت نگارش فارسی، ترجمه ادبی، ترجمه اسناد و مکاتبات، واژه‌شناسی و اضافه‌کردن دروس ترجمه متون علمی و تخصصی و یا توجه به مهارت ویراستاری و نیز حذف دروس مرتبط با آموزش زبان هم‌چون آزمون‌سازی و روش تدریس پرداخته‌اند. خوش‌سلیقه و همکاران (۲۰۱۹) نیز با استفاده از پرسشنامه، ضمن بررسی دیدگاه‌های بیش از پانصد دانشجوی رشته مترجمی در قبال برنامه پیشین، به سنجش نیازها و خواسته‌های آنها پرداخته‌اند که یافته‌ها جملگی بیانگر اهمیت دروس عملی ترجمه از منظر آنها دارد. از دیگر آثار مرتبط می‌توان به دژآرا (۲۰۱۲)، کافی و همکاران (۲۰۱۷)، کتابی و همکاران (۱۳۹۸) و سلیمی‌بنی و همکاران (۱۳۹۸) اشاره نمود.

#### ۴. شیوه‌های ارزیابی برنامه‌های درسی

در خصوص نحوه ارزیابی یک برنامه آموزشی و یا درسی، برون (Brown, 1995) و کاپلان و بالدوف (Kaplan and Baldauf, 1997) به این شیوه‌ها و راهکارها اشاره نموده‌اند:

الف) ارزیابی تکوینی (formative evaluation) در برابر ارزیابی تراکمی (summative evaluation): بستگی به عواملی چون دوره برنامه و اهداف تعیین‌شده و نیز سطح خرد یا کلان ارزیابی، می‌تواند از ارزیابی تکوینی در حین اجرای برنامه و در مقاطع مختلف آن و یا از ارزیابی تراکمی در پایان دوره برنامه استفاده نمود.

ب) کارشناسان بیرونی (outside experts) در برابر الگوی مشارکتی (participatory model) یا ذینفعان داخلی (inside stakeholders): در روند ارزیابی می‌تواند از نظرات و دیدگاه‌های متخصصانی که در تهیه، تدوین و اجرای برنامه دخالتی نداشته‌اند و یا افراد دخیل در برنامه یا همان ذینفعان بهره برد.

ج) پژوهش میدانی (field research) در برابر پژوهش کتابخانه‌ای (desk research): گرچه بخش مهم ارزیابی برنامه نیازمند پژوهش میدانی است، اما در روند بررسی اسناد آموزشی و یا زبانی و نیز گزارش‌ها و پژوهش‌های موجود درباره برنامه، می‌تواند از پژوهش کتابخانه‌ای سود جست.



د) ارزیابی در حین برنامه (during the program evaluation) در برابر ارزیابی بعد از برنامه (after the program evaluation): درخصوص برخی مولفه‌های برنامه، هم‌چون تامین بودجه و یا تغییر در برخی از تصمیمات، می‌توان از ارزیابی نوع اول بهره برد.

ه) ارزیابی کمی (quantitative evaluation) در برابر کیفی (qualitative evaluation): بستگی به نوع بررسی و ارزیابی برنامه و لحاظ نمودن ابعاد و یا جامعه هدف، می‌توان به‌طور مجزا و یا توأمان از ارزیابی کمی و کیفی بهره برد.

و) ارزیابی فرآیند (process evaluation) در برابر ارزیابی فرآورده (Product (evaluation): در صورت محدود بودن برنامه به مقطع زمانی مشخص و عمدتاً کوتاه، می‌توان از ارزیابی فرآورده یا محصول برنامه بهره برد، اما در اکثر موارد ارزیابی فرآیند در قبال برنامه‌های جاری در مقاطع مختلف، در اولویت است.

## ۵. روش پژوهش

در این پژوهش به شیوه‌ای کیفی، دیدگاه‌های ده استاد (هفت مرد و سه زن) درخصوص برنامه درسی جدید رشته مترجمی زبان انگلیسی بررسی گردید. برای اطلاع از دیدگاه‌ها، با هفت نفر مصاحبه رو در رو و با سه نفر دیگر مصاحبه تلفنی به‌عمل آمد. پنج مصاحبه اول در بازه زمانی دی و بهمن ۱۳۹۸ و پنج مصاحبه بعدی در خرداد و تیر ۱۳۹۹ صورت پذیرفت. هر مصاحبه بین سی و پنج تا شصت دقیقه به طول انجامید. جهت انجام این مصاحبه از هجده استاد (دوازده مرد و شش زن) به شیوه نمونه‌گیری در دسترس، دعوت صورت پذیرفته بود. شایان ذکر است که با توجه به سابقه این افراد، جملگی با برنامه جدید و قدیم رشته مترجمی زبان انگلیسی آشنا بوده و در دوره‌های کارشناسی این رشته تدریس نموده‌اند. همچنین به دلیل رعایت مسایل اخلاقی، نام این افراد ناشناس مانده است که در این مقاله با شماره‌های ۱ تا ۱۰ معرفی شده‌اند. مشخصات اعضای شرکت‌کننده بدین شرح بوده است:

جدول ۱. مشخصات شرکت‌کنندگان

شماره	جنسیت	میزان تحصیلات / رشته	سابقه تدریس
۱	زن	دکتری آموزش زبان انگلیسی	۱۴
۲	مرد	دکتری ترجمه	۸
۳	مرد	دکتری زبان‌شناسی	۹
۴	زن	دکتری ترجمه	۸
۵	مرد	دکتری آموزش زبان انگلیسی	۱۸
۶	مرد	دکتری آموزش زبان انگلیسی	۱۱
۷	زن	دکتری زبان‌شناسی	۱۲
۸	مرد	دکتری ترجمه	۸
۹	مرد	دکتری آموزش زبان انگلیسی	۲۱
۱۰	مرد	دکتری ترجمه	۹

در این پژوهش، با بهره‌جویی از دستورالعمل‌های ارائه‌شده درخصوص نحوه طراحی و اجرای مصاحبه کیفی (Dörnyei, 2007) به نحوی نیمه‌ساختمند، مصاحبه‌ها حول چند پرسش اصلی و چندین پرسش فرعی که معمولاً در این دسته از مصاحبه‌ها از طرف مصاحبه‌کننده و شرکت‌کننده مطرح می‌گردد، برگزار شد. مهمترین پرسش‌ها که البته درحین مصاحبه‌ها و متناسب با بازخوردها و پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان با طرح پرسش‌هایی دیگر همراه گردید، بدین نحو بوده است:

- ۱) به نظر شما، تفاوت‌های اصلی سرفصل جدید با سرفصل قبلی چیست؟
- ۲) عناوین درسی در سرفصل جدید چه امتیازات و یا کاستی‌هایی در مقایسه با عناوین در سرفصل قبلی دارد؟
- ۳) آیا در انتخاب عناوین دروس، به اولویت‌های تربیت مترجم و سطح فراگیران توجه شده است؟
- ۴) آیا در انتخاب عناوین دروس، به نیازها و سطح فراگیران توجه شده است؟
- ۵) تفاوت بارز معرفی منابع درسی پیشنهادی در این برنامه با برنامه پیشین چیست؟
- ۶) آیا منابع پیشنهادی می‌تواند اهداف برنامه جدید را برآورده سازد؟
- ۷) آیا نقد و تاخر دروس و یا نحوه تعیین پیش‌نیازها متناسب با ارتباط دروس و سطح آنهاست؟

شایان ذکر است با توجه به اینکه پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی ده مشارکت‌کننده با نوعی اشباع (saturation) در این مرحله همراه گردید، تحلیل یافته‌ها بر اساس یافته‌های حاصل از این تعداد مصاحبه صورت پذیرفت. ضمناً طبیعی است از آنجا که در این پژوهش، از اساتید این رشته به شیوه‌ای کیفی و در حین اجرای برنامه جدید چهارساله که دوره کامل آن سپری نشده، ارزیابی به عمل آمده است، می‌توان نوع ارزیابی در پژوهش حاضر را از نوع (۱) تکوینی، (۲) با بهره‌گیری از کارشناسان بیرونی، (۳) پژوهش میدانی، (۴) در حین برنامه، (۵) کیفی و (۶) از نوع فرآیندی معرفی نمود.

## ۶. بحث و بررسی

یافته‌های پژوهش کیفی حاضر ذیل سه مولفه مهم و در قالب دو بخش یعنی نقاط قوت و کاستی‌ها بررسی و تحلیل شده است. به فراخور دامنه و اهمیت هر یک از مولفه‌های موردنظر، پرسش‌هایی مطرح شده که در ادامه، ذیل هر بخش ارائه شده است:

### ۱.۶. عناوین درسی

به‌طور کلی نظرات ارائه‌شده درباره عناوین درسی را می‌توان در دو بخش امتیازها و کاستی‌های برنامه جدید بدین نحو جمع‌بندی نمود:

#### ۱.۱.۶. امتیازها

در مجموع می‌توان امتیازها و نقاط قوت مرتبط با عناوین درسی را حداقل در چهار بخش (الف) عناوین درسی روزآمد؛ (ب) توجه به نیازهای کاربردی و بومی؛ (ج) توجه به زبان فارسی و (د) توجه به فناوری‌های جدید بررسی نمود. در ادامه این دیدگاه‌ها ذیل این چهار بخش بررسی می‌شود:

**الف) عناوین درسی روزآمد:** به اذعان هر ده متخصص، از جمله نقاط قوت برنامه جدید، ارائه تعدادی عناوین درسی روزآمد و جدید است که در برنامه پیشین جایگاهی نداشتند. در این باره مهمترین پاسخ‌ها در این موارد قابل ارائه است:

- از جمله نقاط مثبت این برنامه جدید را گنجاندن دروس جدید و به‌روز در آموزش ترجمه است درسهایی مثل ترجمه شفاهی همزمان و یا ترجمه شفاهی پیاپی و یا آشنایی با بازار ترجمه و ... این مسلمان گام مثبتی است. (مصاحبه‌شونده ۲)
  - با وجود برخی نقدهای جدی به برخی عناوین، طرح برخی دروس قابل تحسین است... با مشاهده این دروس در برنامه جدید، خلا آنها در برنامه قبلی پررنگ‌تر می‌شود... دروسی مثل «ترجمه متون علمی» و یا «ترجمه شفاهی هم‌زمان» و یا «ترجمه شفاهی پیاپی» ... (مصاحبه‌شونده ۳)
  - آنچه که در نگاه اول کاملاً به چشم می‌آید تغییر بارز در برخی عناوین است که یکی از ویژگی‌های آن عناوین جدید است مثلاً درس «فن بیان» و یا «زبان‌شناسی کاربردی» و یا برخی دروس اختیاری مثل کیفیت‌سنجی ترجمه... خوب اینها واقعا عناوین جدید و به‌روزی هستند و این نقطه مثبتی در این برنامه است. (مصاحبه‌شونده ۴)
  - در بیش‌تر عناوین جدید در این برنامه جدید، شاهد تخصصی‌تر شدن دروس و به‌ویژه در حوزه درسهای اختصاصی ترجمه هستیم. مثلاً درس «ترجمه متون علمی و تخصصی» که جایش واقعا در برنامه قبلی خالی بود و یا درسهایی چون «آشنایی با محیط‌های ترجمه شفاهی» و یا «حوزه‌های نوین ترجمه»... (مصاحبه‌شونده ۱۰)
- ب) توجه به نیازهای کاربردی و بومی:** از جمله امتیازهای مرتبط با عناوین درسی که در نظرات اساتید مشهود بود، ارائه دروسی کاربردی بوده که به عنوان یک امتیاز معرفی شده است. در این باره، نمونه‌هایی از پاسخ‌ها در این موارد قابل‌ارائه است:
- از جمله ویژگی‌های مثبت این برنامه توجه به دروس کاربردی است... منظورم از کاربردی هم به معنای فراتر رفتن از صرف نظریه و هم ایجاد فضایی برای توان‌مندسازی دانشجو در زمینه کار و شغل. مثلاً درسی مثل «آشنایی با بازار ترجمه». (مصاحبه‌شونده ۱)
  - جدای از برخی عناوین جدید، کاربردی‌بودن آنها هم یک امتیاز است. مثلاً درسی به‌عنوان «ترجمه و فناوری» درسی ضروری و کاربردی برای ترجمه در دنیای

امروز است و یا درسی مثل «آشنایی با محیط‌های ترجمه شفاهی».  
(مصاحبه‌شونده ۲)

- اساساً چون ماهیت رشته در مقطع کارشناسی متفاوت از مقطع ارشد و یا دکتری است، توجه به نیازهای بومی در برخی درسها کاملاً دیده می‌شود... مثلاً درخصوص ترجمه متون اسلامی از فارسی به انگلیسی و یا انگلیسی به فارسی و یا در برخی عناوین چون «روزنامه‌نگاری الکترونیک» و یا «ترجمه متون علمی»... این درس کاربردی نوعی بومی‌سازی اینگونه تخصص‌های کاربردی است.  
(مصاحبه‌شونده ۴)

- با این‌که در بعضی درسها، هنوز جنبه نظری پررنگ است اما مروری بر درس‌ها و البته سرفصل‌ها نشان می‌دهد که به جنبه‌های کاربردی توجه شده... درس‌هایی چون «پروژه کارورزی» و یا «ترجمه قراردادها» و یا «ترجمه متون علمی» و یا حتی «ترجمه متون فلسفی» به نوعی توجه به جنبه‌های کاربردی ترجمه و آموزش ترجمه است. (مصاحبه‌شونده ۸).

**ج) توجه به زبان فارسی:** از دیگر امتیازهای این برنامه که عملاً همه اساتید بر آن اتفاق نظر داشتند، توجه به زبان فارسی در این برنامه جدید است. مهمترین پاسخ‌ها در این موارد قابل‌ارائه است:

- شک نکنید که بالاخره بعد از سالها کم‌توجهی به زبان فارسی و حتی ادبیات فارسی و تاثیر آن در تربیت مترجم، بالاخره حساب دیگری برای این زبان باز کرده‌اند... جدای از دروسی چون «نگارش فارسی» و «ویرایش فارسی» و «ساخت زبان فارسی» و چندین درس ادبیاتی چون «ادبیات کودک و نوجوان» و «ادبیات کهن» و ... توجه به ترجمه دوسویه یعنی هم از انگلیسی به فارسی و هم از فارسی به انگلیسی خیلی پررنگ شده. (مصاحبه‌شونده ۲)

- توجه به زبان فارسی یک قدم واقعا مثبت بوده ... اصلاً یکی از علل ناکامی برنامه قبلی همین موضوع یعنی بی‌توجهی به زبان فارسی بوده ... من در کنار زبان فارسی، توجه به ادبیات فارسی را هم خیلی مثبت می‌بینم. (مصاحبه‌شونده ۳)

- جدای از توجه بیشتر به زبان فارسی و آیین نگارش و ویرایش زبان فارسی، در سرفصل می بینیم که توجه به ترجمه دوسویه کاملاً پررنگ شده... ترجمه دوسویه دانشجو را بیش از پیش با زبان فارسی درگیر می‌کند... از این لحاظ این اصلاح برنامه قابل تقدیر است... (مصاحبه‌شونده ۷)

**د) توجه به فناوری‌های جدید:** از منظر اساتید این رشته، یکی از مزیت‌های برنامه جدید - که البته به دلیل پیشرفت‌های فناورانه، حوزه ترجمه و آموزش زبان و ترجمه را با خود همراه ساخته - توجه به نرم‌افزارهای جدید و پیکره‌های برخط است. در این باره، مرووری بر این دیدگاهها مفید خواهد بود:

- یکی از خوبی‌های برنامه جدید تاکید بر استفاده از نرم‌افزارها و پیکره‌هاست. با توجه به اهمیت اینها و البته مفید بودن این ابزار، لازم است که دانشجویها چه در آموزش زبان و چه در آموزش ترجمه بتوانند از اینها استفاده کنند. (مصاحبه‌شونده ۶).

- توجه به اینترنت و نرم‌افزارهایی که در این برنامه تاکید شده یک طرف... اما ارائه درسی چون «ترجمه و فناوری» که دقیقا در راستای آشنایی دانشجو با ترجمه ماشینی و کاربرد نرم‌افزارهای مترجم‌یار است، واقعا ضروری بوده... به نظر من چه اساتید و چه دانشجویهای این رشته باید با این امکانات جدید نه فقط آشنا که باید مسلط باشند. (مصاحبه‌شونده ۹).

#### ۲.۱.۶ کاستی‌ها

در مجموع می‌توان کاستی‌ها و نقاط ضعف مرتبط با عناوین درسی را حداقل در سه بخش (الف) عناوین جدید و یا پیشین غیراولویت‌دار؛ (ب) بالاتر بودن از سطح کارشناسی و (ج) کاهش و یا حذف برخی عناوین مهم بررسی نمود. در ادامه این دیدگاه‌ها ذیل این سه بخش بررسی می‌شود:

**الف) عناوین جدید و یا پیشین غیراولویت‌دار:** بررسی دیدگاه‌های مطرح‌شده حکایت از آن دارد که برخی عناوین جدید و بعضا باقی‌ماندن برخی عناوین پیشین، کماکان

از منظر اساتید این رشته در اولویت نمی‌باشد. مهمترین پاسخ‌ها در این موارد قابل-ارائه است:

- یکی از کاستی‌های جدی در برنامه جدید، طرح چند درسی است که اساساً نه تنها مناسب این رشته از لحاظ اولویت نیستند که اصلاً جای آن در دوره کارشناسی نیست. مثلاً درسی چون «ادبیات پایداری» با آن سرفصل و منابع. واقعا منطقی گنجاندن این درس چیست؟ اولویت آن کجاست؟ (مصاحبه‌شونده ۱).

- در کنار نقطه مثبت گنجاندن دروس جدید، شاهد ارائه دروسی هستیم که نمی‌دانم واقعا چرا تصور شده که اولویت دارند؟ چه در مورد دروس اجباری و چه اختیاری. مثلاً واقعا برایم سوال است که چرا درسی مثل «ترجمه متون سیاسی» و یا «ترجمه متون اقتصادی» که اتفاقاً از کاربردی‌ترین دروس برنامه قبلی بودند کاملاً در برنامه جدید حذف شوند و مثلاً شاهد انباشتگی دروس ترجمه اسلامی تا چهار عنوان درسی باشیم و یا مثلاً درسی چون «ادبیات پایداری» باشیم. (مصاحبه‌شونده ۴)

ب) **بالا تر بودن از سطح کارشناسی:** از منظر مصاحبه‌شوندگان، برخی از دروس و یا سرفصل آن بالاتر از سطح کارشناسی بوده که البته دلایل متعددی برای این تغییر ذکر شده است. مهم‌ترین پاسخ‌ها در این موارد قابل‌ارائه است:

- مرور برخی عناوین و البته منابع پیشنهادی علامت سوال بزرگی در ذهن می‌آورد و آن هم اینکه آیا واقعا برخی از اینها در سطح کارشناسی هستند؟ مثلاً درسی چون «پژوهش در مطالعات ترجمه». برخی از سرفصلهای این درس برای دوره دکتری است. (مصاحبه‌شونده ۲)

- به نظر من سرفصل ارائه شده برای برخی دروس واقعا فراتر از دوره کارشناسی است آن هم اگر قرار باشد هدف تربیت مترجم را دنبال کرد... بهتر بود برخی از این بحثهای نظری جای خودش را به دروس عملی و کاربردی می‌داد... مثلاً به سرفصل درس «کیفیت‌سنجی ترجمه» نگاه کنید آیا این سرفصل مناسب دانشجوی کارشناسی است؟ (مصاحبه‌شونده ۵)

- من ایرادی به عناوین درسی ندارم عناوین جذاب و خوبی است اما سرفصل برخی خیلی بالاتر از سطح کارشناسی است یک درس و دو درس هم نه ... خیلی از درس‌ها این‌طوری است... نمونه بارز این مورد، درسی مثل «مبانی نظری ترجمه» است. چنین سرفصلی برای درس دوره کارشناسی واقعا هم سنگین است و هم غیرضروری؟! (مصاحبه‌شونده ۱۰)

**ج) کاهش و یا حذف برخی عناوین مهم:** از جمله مسائل مطرح شده که با انتقادهایی جدی از سوی مصاحبه‌شوندگان همراه شد، حذف برخی عناوین مهم درسی و یا کاهش آن‌ها بوده است که مثال‌هایی متعدد را برای آن ذکر نمودند. نمونه‌هایی از این پاسخ‌ها در این موارد قابل ارائه است:

- همواره در ذهن من این سوال مطرح میشه که چه دلیلی برای حذف دروسی چون «ترجمه متون سیاسی» یا «ترجمه متون اقتصادی» وجود داشته؟ وقتی که همه دروس دو واحدی شده‌اند دیگر نمی‌توان گفت مثلا برنامه‌هایی برای ارائه این دروس ندارد... (مصاحبه‌شونده ۳)

- جدای از درس‌های اختصاصی ترجمه مثل «ترجمه متون سیاسی» که از برنامه حذف شده برایم این ابهام پیش آمده که مثلا چرا درس «آواشناسی» حذف شده؟ این درس برای هر گرایشی در زبان ضروری است ... (مصاحبه‌شونده ۵)

با بررسی دیدگاه‌های ارائه‌شده درباره نقاط قوت این بخش یعنی تغییرات و اصلاحات عناوین درسی، درمی‌یابیم که طراحان برنامه جدید به نقدها و نظراتی که به بررسی کاستی‌های برنامه پیشین پرداخته بودند، توجه داشته‌اند. به عنوان نمونه، کم‌توجهی به زبان فارسی موضوعی بوده که همواره در آثاری انتقادی همچون میرعمادی (۱۳۸۲) و سالاری و خزاعی فرید (۱۳۹۴) مطرح بوده و در این برنامه جدید بدان توجه بیشتری شده است. از دیگر موارد می‌توان به توجه برنامه جدید به عناوین دروس متناسب با بازار ترجمه اشاره نمود که طرح و پیشنهاد آن در آثاری چون خوش‌سلیقه (۱۳۹۳) و کتابی و همکاران (۱۳۹۸) آمده بود.

اما درباره کاستی‌های ذکر شده درباره عناوین درسی در برنامه جدید، درمی‌یابیم که حذف برخی از دروس مهم و کاربردی که در آثاری چون خوش‌سلیقه (۱۳۹۳) و سهرابی



و همکاران (۲۰۱۵) بر تقویت آنها تاکید شده بود، از منظر مصاحبه‌شوندگان یک ضعف جدی برشمرده شده است. این موضوع به اجمال در کتابی و همکاران (۱۳۹۸) نیز مطرح شده است. هم‌چنین بالاتر بودن برخی از دروس از سطح کارشناسی و یا به تعبیری غلبه بار نظری آنها، سبب ارائه دروسی شده که نه تنها امکان تدریس آنها در قالب درسی دو واحدی و در طول یک نیمسال تحصیلی ممکن نمی‌باشد، بلکه از جنبه کاربردی برنامه می‌کاهد. البته حذف برخی دروس کاربردی و مهم چون «ترجمه متون سیاسی»، «ترجمه متون اقتصادی» و ... که اتفاقاً اکثر مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند، خود این کاستی را پررنگ‌تر نموده است.

## ۲.۶ منابع درسی

در سرفصل جدید برای هر عنوان درسی، به‌طور متوسط شاهد معرفی حداقل ده کتاب به‌عنوان منبع آن درس هستیم. بررسی دیدگاه‌های مطرح‌شده درخصوص این منابع، در کنار برخی مزایا، با نقدهایی جدی همراه بود. به‌طور کلی نظرات ارائه‌شده درباره منابع درسی را که با بحث‌های قابل توجهی از سوی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش همراه بود، می‌توان در دو بخش امتیازها و کاستی‌های برنامه بدین نحو جمع‌بندی نمود:

### ۱.۲.۶ امتیازها

در مجموع می‌توان امتیازها و نقاط قوت مرتبط با منابع درسی را حداقل در دو بخش الف) تعدد و تنوع منابع و ب) منابع جدید بررسی نمود. در ادامه این دیدگاه‌ها ذیل این دو بخش بررسی می‌شود:

**الف) تعدد و تنوع منابع:** از منظر مصاحبه‌شوندگان، از جمله امتیازهای مرتبط با منابع درسی تعدد و تنوع آنهاست. در ادامه شماری از این دیدگاه‌ها بررسی می‌شود:

- حتماً یکی از امتیازات این برنامه معرفی منابع متعدد برای یک درس است که استاد می‌تواند متناسب با سطح کلاس و توانایی و نیاز دانشجویان و البته علایق و تخصص خودش منبع یا منابع مناسب انتخاب کند. یعنی نوعی انعطاف‌پذیری در منابع پیشنهادی دیده می‌شود البته نه در همه دروسها. (مصاحبه‌شونده ۱)

- فکر کنم به‌طور متوسط برای هر عنوان درس حدود ده منبع معرفی شده که خوب در مجموع یک بسته آموزشی خوب برای این رشته است... این تنوع یک نوع امتیاز این برنامه است، مخصوصاً درسهایی که منابع جدید برایش ارائه شده. (مصاحبه‌شونده ۵)

(ب) منابع جدید: از دیگر امتیازهای برشمرده شده برای منابع معرفی‌شده در برنامه بازنگری‌شده، ارائه منابعی جدید است که دارای جایگاهی در حوزه آموزش زبان و ترجمه هستند. مهمترین پاسخ‌ها در خصوص این امتیاز در این موارد قابل‌ارائه است:

- چه در درس‌های پایه که به مهارت‌های زبانی می‌پردازد و به ویژه در درس‌های تخصصی، برای بیش‌تر درس‌ها شاهد معرفی فهرستی از منابع عمدتاً جدید و به‌روز هستیم... این قضیه در درسهای تخصصی ترجمه کاملاً نمود دارد. این کتاب‌های معرفی‌شده خود یک فهرست خوب و مفید برای دانشجویان و پژوهش‌گران در حوزه ترجمه فراهم آورده...البته در مواردی هم ایرادهایی وجود دارد... (مصاحبه‌شونده ۸)

- اساساً نفس تغییر برنامه که با تغییر عناوین و سرفصلها همراه بوده خود نوعی تغییر را برای اساتید در انتخاب منابع به همراه خواهد داشت... تجربه شخصی خود من .... سال‌ها درس‌های «خواندن و درک مفاهیم» را تدریس کردم .... تغییر عنوان درس به خواندن پایه و پیشرفته و کاهش واحد آن سبب شد در این دو دوره، کتابهایی جدید را معرفی کنم... این حتماً یک امتیاز است. (مصاحبه‌شونده ۱۰)

#### ۲.۲.۶ کاستی‌ها

در مجموع می‌توان کاستی‌ها و نقاط ضعف مرتبط با منابع درسی را حداقل در چهار بخش (الف) منابع نامرتب؛ (ب) منابع بالاتر از سطح کارشناسی؛ (ج) عدم تفکیک منابع اصلی از فرعی و (د) کم‌توجهی به مقالات منتشرشده در حوزه ترجمه، بررسی نمود. در ادامه، این دیدگاه‌ها ذیل این سه بخش بررسی می‌شود:

**الف) منابع نامرتبط:** از جمله مسائلی که همه مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره نمودند، معرفی برخی منابع نامرتبط و یا کم‌ارتباط در برخی از دروس بود. نمونه‌هایی از این نظرات بدین نحو قابل‌ارائه است:

- یکی از ضعف‌های جدی بعضا معرفی منابعی است که یا اصلا ارتباطی با سرفصل ندارند و یا ارتباط کمی دارند. این حتما یک ضعف جدی است و حتما کم‌دقتی شده و باید اصلاح شود. مثلا خودم ترم گذشته درس «خواندن متون مطبوعاتی و رسانه‌ای» داشتم وقتی به منابع رجوع کردم واقعا تعجب کردم. صرف شباهت نسبی با عنوان، دیدم چند کتاب بازاری سرهم‌بندی شده که چند خبر را همراه با سی دی چاپ کرده‌اند به عنوان منبع معرفی شده! در حالی که هدف این درس بر اساس سرفصل چیز دیگری است. (مصاحبه‌شونده ۱)

- ... البته منابع برخی درسها واقعا جای سوال دارد ... مثلا درسی چون «بررسی آثار ترجمه‌شده اسلامی» که قرآن مجید را به عنوان منبع معرفی کرده است! منبع درسی برای خود ویژگی‌هایی دارد ... و یا درسی چون «خواندن متون مطبوعاتی» که خیلی سوال‌برانگیز است. (مصاحبه‌شونده ۹)

- درست است که تعدد و تنوع منابع پیشنهادی خوب است اما واقعا در بسیاری از درس‌ها شاهد ارائه منابعی هستیم که آن چنان ارتباطی با سرفصل ندارد... شاید شباهتی داشته باشد با عنوان درس، اما ارتباطی با سرفصل ندارد. مثلا ببینید برای درس «ترجمه متون علوم انسانی از فارسی» چه منابعی ارائه شده... صرفا هفت منبع انگلیسی بدون هیچ اشاره‌ای به بعد فارسی قضیه و البته کاملا بدون ارتباط با سرفصل. اگر قرار است در این درس طبق سرفصل دانشجو عملا وارد ترجمه این متون شود، چه ارتباطی بین این توانایی با منابع پیشنهادی است؟! (مصاحبه‌شونده ۳)

**ب) منابع بالاتر از سطح کارشناسی:** در کنار معرفی برخی از منابع نامرتبط با سرفصل دروس، معرفی منابعی که به دلیل غلبه بار نظری، با سطح مقطع کارشناسی هماهنگی ندارد، از جمله انتقادهای مطرح‌شده بود. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها بدین شکل بوده است:

- یکی از انتقادهای جدی من و البته همکارانم به برخی منابع در کنار ارتباط ناچیز با سرفصل، نظری بودن آنها و عدم تناسب با سرفصل و یا جنبه‌های عملی برنامه است.

وقتی ماهیت یک درس آموزش مهارت و فن ترجمه به شکل عملی و کاربردی است، ارائه منابعی صرفاً نظری و بی‌توجه به زبان فارسی، واقعا بالاتر از سطح کارشناسی است. (مصاحبه‌شونده ۲)

- ببینید گفتم که یکی از امتیازهای برنامه طرح دروس جدید است که هم مفید و هم ضروری است. مثلاً گفتم کیفیت‌سنجی ترجمه، اما وقتی سراغ منابع می‌رویم واقعا این سوال پیش می‌آید که آیا مثلاً کتاب جولیان هاوس که در سطح دکتری به‌سختی قابل تدریس است برای دانشجوی کارشناسی قابل ارائه است؟ مسلماً خیر. وقتی شمار زیادی منبع برای هر درس ارائه می‌شود خوب این هم خودش یک مشکل است. (مصاحبه‌شونده ۴)

- شاید چند مثال مفید باشد. مثلاً درسی چون «ترجمه متون علوم انسانی از فارسی» - که اصلاً وجود این درس یک امتیاز ویژه برای برنامه جدید است - را ببینیم. سرفصل ارائه‌شده کاملاً کاربردی است و عملی... صحبت از ترجمه می‌کند... اما منابع پیشنهادی به قدری نظری و دور از واقعیت و حال و هوای این درس است که اگر بنا باشد آن منابع تدریس شود، اولاً سرفصل تحقق نمی‌یابد و ثانیاً حجم زیادی مطلب نظری، صرفاً ارائه می‌شود. (مصاحبه‌شونده ۷).

**ج) عدم تفکیک منابع اصلی از فرعی:** یکی دیگر از مواردی که عملاً همه مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره نمودند، معرفی صرف شماری از منابع، بدون تفکیک منابع اصلی از فرعی و یا مشخص نمودن بخش‌های مرتبط با سرفصل در یک کتاب است. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها بدین شکل بوده است:

- یکی از مشکلات منابع پیشنهادی این است که طراحان برای هر درس هفت هشت تا ده شاید هم بیشتر منبع معرفی کرده‌اند، این روش نامعمول است حداقل باید یک یا دو منبع اصلی و چند منبع فرعی پیشنهاد شود نه اینکه صرفاً اسامی کتاب‌ها ردیف شود و منبع اصلی از فرعی جدا نشود. (مصاحبه‌شونده ۱)

- هم منبع یا منابع اصلی و مهم یک درس از منابع فرعی جدا نشده و هم اینکه اصلاً روال معرفی منابع به این نحو است که مثلاً دقیقاً مشخص شود که کدام فصل‌ها و یا صفحات کتاب و مربوط به این دروس است. مثلاً برای درس «مبانی زبان‌شناسی»

هم می‌گوید جرج یول و هم برای درس «زبان‌شناسی کاربردی» گفته یول. خب باید معلوم شود کدام فصلها برای کدام درس و یا در خیلی از درسها صرفا گفته شده فلان کتاب بیکر و یا نیومارک. اما کجای این کتاب منظور است؟ (مصاحبه‌شونده ۳)

د) کم‌توجهی به مقالات منتشرشده در حوزه ترجمه: از جمله مواردی که چند تن از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند، معرفی نشدن برخی مقالات مهم در حوزه مطالعات ترجمه به‌ویژه مقالات نویسندگان ایرانی در منابع است. به اعتقاد آنها، در حوزه ترجمه انگلیسی به فارسی و بالعکس، شاهد انتشار آثاری هستیم که می‌تواند در حوزه‌هایی چون آموزش ترجمه، ویراستاری ترجمه، ارزیابی و نقد ترجمه و ... مفید باشد. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها بدین شکل بوده است:

- واقعیت آنکه در سالهای اخیر شاهد چاپ مقالات خوبی در حوزه‌های نظری و به‌ویژه عملی ترجمه در ایران بوده‌ایم... با توجه به اینکه مباحث این رشته خیلی در ایران بومی نشده است، استفاده از این‌گونه مقالات می‌تواند بسیار به آموزش ترجمه در دانشگاه‌ها کمک کند. (مصاحبه‌شونده ۷).

- انتظار می‌رفت دست‌اندرکاران تدوین برنامه جدید که خود در چند نشریه ترجمه در ایران حضور فعال دارند، مقالات مفید و اثرگذار که البته جنبه آموزشی برای دانشجویان داشته باشد را در بعضی درسها به عنوان منبع معرفی کنند. به هر حال نمی‌توان از برخی مقالات در مجلاتی چون مترجم و یا مطالعات ترجمه و... به‌راحتی گذشت... خوب بود اگر این مقالات به عنوان منابع جانبی و پیشنهادی معرفی می‌شد. (مصاحبه‌شونده ۱۰)

مسئله آنجا که برنامه پیشین با بازنگری و تغییری همراه نبوده، طبیعی است که منابع پیشنهادی در آن برنامه همگی قدیمی بوده باشند. ارائه برنامه جدید که با معرفی منابع جدید همراه بوده است زمینه معرفی و نیز آشنایی اساتید و دانشجویان با منابع کم‌تر شناخته‌شده را فراهم ساخته است. مراجعه به منابع هر درس نشان می‌دهد که عملاً در هر درس شاهد معرفی منابعی هستیم که می‌تواند زمینه همگامی با برخی آثار مرتبط با تحولات حوزه ترجمه را فراهم آورد. اما درباره انتقادهای جدی به معرفی برخی منابع

نامرتب و بعضاً بازاری و نیز منابع بالاتر از سطح کارشناسی و همچنین عدم تفکیک منابع اصلی از فرعی، مروری بر این منابع بیانگر درستی این انتقادات است.

### ۳.۶ پیش‌نیازها

به مانند هر برنامه درسی، در این برنامه نیز شاهد ارائه پیش‌نیازهایی برای غالب دروس هستیم. اما طرح و بررسی موضوع در مصاحبه‌ها بیانگر آن است که در مواردی چند، انتقادهایی جدی به نحوه ارائه پیش‌نیازها مطرح گردید که به عنوان کاستی‌ها در ادامه معرفی می‌گردد. به‌طور کلی می‌توان نظرات انتقادی و اصلاحی را در دو بخش الف) دروس بدون پیش‌نیاز و ب) پیش‌نیازهای غیراولویت‌دار معرفی نمود:

**الف) دروس بدون پیش‌نیاز:** یکی از انتقادهای مطرح شده، ارائه دروس متعددی است که هیچ پیش‌نیاز و یا شرطی برای آن تعیین نشده است. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها بدین شکل بوده است:

- چه در دروس پایه و چه در دروس تخصصی و البته اختیاری، تعداد قابل‌توجهی از درس‌ها پیش‌نیاز و یا شرطی برای گرفتن درس ندارند. در اجرا، این مساله واقعا مشکل‌ساز خواهد بود. مثلاً طبیعی است و منطقی که نگارش انگلیسی پایه باید بعد از دستور انگلیسی بیاید یعنی باید دستور انگلیسی پایه و بعد پیشرفته گذرانده شود، سپس دانشجو نگارش پایه را بگیرد اما می‌بینیم که در این برنامه، نگارش پایه پیش‌نیازی ندارد... شاید بگویید که خوب چون روال منطقی این است پس رعایت می‌شود اما شاهدیم که در دانشگاه‌های مطرح ما در ترم اول نگارش پایه ارائه شده است. (مصاحبه‌شونده ۱)

- شک نکنید که یکی از مشکلات برنامه همین درسهای بدون پیش‌نیاز و یا بدون شرط اخذ است.. مثلاً در درسهای پایه، درس «فن بیان» را داریم که خوب طبیعی است باید مهارت‌های شنیداری و گفتاری پایه و پیشرفته طی شود که سپس درس «فن بیان» ارائه شود و یا «آشنایی با نثر انگلیسی» یا «ترجمه شفاهی پیاپی» و «کیفیت‌سنجی ترجمه»... وضع به همین منوال است... اگر هم قرار است برای برخی درس‌ها مثل «ترجمه شفاهی» و یا «اصول و روش تدریس» پیش‌نیاز ذکر نشود که

البته باید بشود حداقل باید شروطی گذاشته شود که مثلا بعد از این تعداد واحد اخذ شود. (مصاحبه‌شونده ۵)

- جدای از درس‌های اصلی یا همان دروس پایه و تخصصی، درس‌های اختیاری‌ای هست که باید ده واحد از آنها ارائه شود. اما در غالب موارد این درس‌ها بدون پیش‌نیاز تعریف شده‌اند که خیلی منطقی نیست... اگر بناست این درس‌ها در ترم‌های مختلف ارائه شود خوب یاید سازوکار داشته باشد باید تقدم و تاخر داشته باشد.. حتما در اجرا به مشکل می‌خوریم. (مصاحبه‌شونده ۶)

ب) **پیش‌نیازهای غیراولویت‌دار:** در کنار انتقاد پیشین، نحوه انتخاب برخی پیش‌نیازها برای برخی از دروس، موضوعی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند. نمونه‌هایی از این انتقادها بدین شکل بوده است:

- جدای از درس‌های بدون پیش‌نیاز به نظر می‌رسد که در مورد برخی درس‌ها باید تجدیدنظری در دروسهای پیش‌نیاز آنها شود مثلا برای درس «ویرایش فارسی»، پیش‌نیاز آن «ساخت زبان فارسی» آمده است که باید پیش‌نیاز آن «نگارش فارسی» باشد نه «ساخت زبان فارسی» و یا در مورد درس «تحلیل مقابله‌ای ساخت زبان فارسی و انگلیسی» که پیش‌نیاز آن زبان شناسی کاربردی آمده است اما چرا؟. (مصاحبه‌شونده ۳)

- معمولا و منطقا باید آموزش ترجمه متون از انگلیسی به فارسی و سپس از فارسی به انگلیسی باشد اما در مورد ترجمه متون اسلامی این روند برعکس شده است چرا؟ و یا برای «ترجمه ادبیات» دو درس «اصول و راهکارهای ترجمه» و «ترجمه و فناوری» آمده اما آیا برای این درس نباید به پیش‌نیازهای درس‌های ادبی و ادبیاتی توجه می‌شد؟ مثلا نباید درسی چون داستان و یا شعر انگلیسی به عنوان پیش‌نیاز می‌آمد؟ (مصاحبه‌شونده ۴)

با توجه به اهمیت موضوع پیش‌نیازهای درسی در توصیف یک سرفصل درسی (ر.ک. بهرام‌بیگی، ۱۳۹۱)، بررسی دیدگاه‌های ارائه‌شده و نیز بررسی دقیق‌تر این موضوع در برنامه درسی نشان می‌دهد که انتقادهای مطرح‌شده وارد بوده است. این کاستی نه تنها می‌تواند برنامه را در روند اجرا با مشکلات و ناهماهنگی‌هایی روبرو کند، بلکه در تحقق

اهداف آموزشی برنامه از حیث عدم رعایت منطقی تقدم و تأخر دروس هم مشکلاتی را به‌همراه خواهد داشت.

## ۷. نتیجه‌گیری

از جمله موارد مهم چه در تدوین و طراحی برنامه‌های درسی و چه در روند ارزیابی و آسیب‌شناسی آنها، توجه به دیدگاه‌های گروه‌های ذینفع و از آن جمله مدرسان است. از این رو، در این پژوهش تلاش شد تا به شیوه‌ای کیفی دیدگاه‌های تعدادی از اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های مجری این رشته درباره ابعاد تشکیل‌دهنده و ویژگی‌های برنامه تجدیدنظر شده رشته مترجمی زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی بررسی گردد. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که در طراحی و تدوین برنامه جدید تا حدود قابل‌توجهی به نقدها و دیدگاه‌های انتقادی مطرح‌شده در آثاری که به ارزیابی برنامه پیشین پرداخته بودند، توجه شده است که این موضوع را می‌توان از نقاط قوت برنامه جدید برشمرد؛ موضوعاتی چون توجه به دروس کاربردی و متناسب با نیازهای بومی فراگیران، توجه به زبان فارسی، توجه به فناوری‌های نوین، توجه بیشتر به موضوع ترجمه دوسویه، توجه به نیازها و انتظارات بازار ترجمه و ... که هدف آنها همانا کارآمدسازی، بومی‌سازی و تخصصی‌تر کردن این رشته می‌باشد.

اما یافته‌های حاصل از بررسی موضوعاتی که به عنوان کاستی‌های برنامه جدید برشمرده شد، نشان می‌دهد که نقدهایی درخصوص عناوین درسی و سرفصل‌ها، منابع پیشنهادی و روند معرفی پیش‌نیازها وجود دارد که بی‌تردید در هرگونه بررسی، اصلاح و آسیب‌شناسی این برنامه چه در حین اجرا و چه در مراحل دیگر، شایسته است که به این دیدگاه‌ها توجه شود.

از آن‌جا که پژوهش حاضر از آثار پیشگام در ارزیابی و نقد برنامه جدید برشمرده می‌شود، شایسته است که در آثار بعدی از سویی، از دیگر گروه‌های ذی‌نفع هم‌چون طراحان برنامه، دانشجویان و دانش‌آموختگان ارزیابی به‌عمل آید و از سویی دیگر، به شیوه‌های مختلف کیفی و کمی، از نظر اساتید و مدرسان این رشته در گستره و دامنه بیش‌تری بهره برد. بنابراین می‌توان از دیگر شیوه‌های ارزیابی که پیش‌تر ذکر آن آمده بود



## ارزیابی و نقد برنامه درسی بازنگری شده ... (حسین داوری و دیگران) ۱۹۷

همچون شیوه‌های ارزیابی تراکمی، ارزیابی بعد از برنامه، ارزیابی مشارکتی، ارزیابی کتاب‌خانه‌ای و ... بهره برد.

انتظار می‌رود که برنامه‌ریزان این حوزه، علاوه بر توجه به این دسته از یافته‌ها، کماکان در هر مرحله از اجرا به دیدگاه‌های پژوهشگران این حوزه، انتظارات دانشجویان، نیازهای دانش‌آموختگان و نیازها و انتظارات نهادهای ارائه‌دهنده خدمات ترجمه در جامعه توجه کافی نمایند. همچنین مقایسه این برنامه با برنامه‌های مشابه این رشته در جوامع دیگر می‌تواند به عنوان پیشنهادی سازنده در راستای اصلاح و تقویت برنامه حاضر برشمرده شود.

### کتاب‌نامه

- بهرام‌بیگی، مهری. (۱۳۹۱). «ویژگیهای مطلوب در تدوین سرفصل درسی دانشگاهی با نقد بر سرفصل‌های درسی رشته زبان فرانسه»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۶، ۴۴-۵۸.
- بیکیان، علی، کتابی، سعید، و حسابی، اکبر. (۱۳۹۸). «ارزیابی کارآیی برنامه درسی کارشناسی مترجمی انگلیسی از نقطه‌نظر دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته». پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی، ۹، ۱۲۶۶-۱۲۲۹.
- حسینی، سید محمدحسین، مهرمحمدی، محمود، حاج حسین‌نژاد، غلامرضا، و سلسبیلی، نادر. (۱۳۹۴). «تحلیل انتقادی الگوهای تغییر برنامه درسی». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. ۱۵، ۱۹۹-۲۳۵.
- خوش‌سلیقه، مسعود. (۱۳۹۳). «توانش‌های هدف در آموزش مترجم فارسی و انگلیسی». مطالعات زبان و ترجمه، ۴۷، ۱۱۳-۱۴۳.
- سلیمی‌بنی، شیرین، حیدری تبریزی، حسین، و روحی، اکبر. (۱۳۹۸). «آموزش نقد ترجمه در دوره کارشناسی ارشد رشته مطالعات ترجمه: انتظارات دانشجویان و محتوای آموزشی واحد درسی». پژوهش و نگارش کتب دانشگاه، ۲۳، ۱۱۸-۱۳۸.
- سالاری، زهرا، و خزاعی فرید، علی. (۱۳۹۴). «ضرورت بروزرسانی سرفصل دروس کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی بر مبنای نیازهای بازار ترجمه در ایران». مطالعات زبان و ترجمه، ۴۸، ۵۱-۱۹.
- ضیاحسینی، سید محمد. (۱۳۸۲). «تربیت مترجم». مطالعات ترجمه، ۱، ۸۳-۹۴.

میرعمادی، سید علی. (۱۳۸۲). «تاملی در برنامه مترجمی دانشگاهها و راهکاری برای حل مشکلات». مطالعات ترجمه، ۱، ۶۴-۵۳.

- Bogucki, Łukasz (Ed.), (2010), *Teaching Translation and Interpreting: Challenges and Practices*, Newcastle: Cambridge Scholars.
- Dezhara, Salman (2012), *Curriculum Assessment of the BA and MA Programs of English Translation Major at the University of Isfahan*. M.A. Thesis, Isfahan: University of Isfahan.
- Dörnyei, Zoltán (2007), *Research Methods in Applied Linguistics: Quantitative, Qualitative, and Mixed Methodologies*, Oxford: Oxford University Press.
- Gabr, Moustafa (2001), "Toward a Model Approach to Translation Curriculum Development". *Translation Journal*, Vol. 5, No. 2. Available online at <http://accurapid.com/journal/16edu.htm>
- Khoshsaligheh, Masood, Mahboubeh Moghaddas, and Saeed Ameri (2019), "English Translator Training Curriculum Revisited: Iranian Trainees' Perspectives". *Teaching English Language*, Vol. 13, No. 2, 181-212.
- Kaplan, Robert B. and Richard B. Baldauf (1997), *Language Planning: From Practice to Theory*, Bristol: Multilingual Matters.
- Karimnia, Amin (2012), "Undergraduate Translation Training: In Search of a Model". *Social and Behavioral Sciences*, Vol. 70, 915-921.
- Razmjou, Leila (2001), "Developing Guidelines for a New Curriculum for the English Translation BA Program in Iranian Universities". *Translation Journal*, Vol. 6, No. 2. Available online at <https://translationjournal.net/journal/20edu1.htm>
- Rossi, Peter H., Mark W. Lipsey, and Howard E. Freeman (2004). *Evaluation: A Systematic Approach* (7th Ed.). Thousand Oaks: Sage.
- Sawyer, David B., Frank Austerlühl, and Vanessa Enríquez Raído, V. E. (Eds.), (2019), *The Evolving Curriculum in Interpreter and Translator Education*, Amsterdam: John Benjamins.
- Sohrabi, Sarah, Ramin Rahimi, and Masoume Arjmandi (2015), "Efficiency of Iranian Translation Syllabus at BA Level; Deficiency: A New Comprehensive Model". *Advances in Language and Literary Studies*, Vol. 6, No. 1, 129-142.